

یادداشت

زیستی سراسر «در تمنای یادگیری»

محمدرضا نیک‌نژاد، آموزگار و کنشگر منصفی

● هنگامی که از آموزش و آموزش‌شناسی-پداگوژی- به‌عنوان یک دانش نوین یاد می‌کنیم، کمتر نامی را در ایران می‌توان یافت که در گستره اجتماعی و فرهنگی شناخته‌شده باشد. با اینکه برخی از این‌نام‌ها پرچم‌داران دگرگونی‌های ارزشمندی در گستره آموزش در سطح ملی و حتی منطقه‌ای بوده‌اند اما شوربختانه همین انگشت‌شمار تلاشگران نیز آن چنان که شایسته و بایسته است، شناسانده نشده‌اند. اما رویدادی فرهنگی در نیمه‌های شهریور ۹۵ امیدی تازه برای پرداختن به زندگی و اندیشه‌های بزرگان آموزش کشور پدید آورد. این رویداد پرده‌برداری از نخستین جلد از مجموعه‌کتاب‌های «اندیشه‌ورزان» بود. ناشر اندیشه‌ورزان در بخش سخن ناشر آورده است: «در مجموعه‌ای که جلد نخست آن پیش‌روی شماس‌ت، برانیم‌نقش و اهمیت عمل و تجربه اندیشه‌ورزان در حوزه تعلیم و تربیت را مستندسازی کنیم». بی‌گمان این‌ کار افزون بر اینکه ارزشمند است، می‌تواند به شکوفایی دانش پداگوژی در کشور باری‌رسان باشد و اگر به‌درستی اجرا شود، می‌تواند زمینه‌ای شود برای تبدیل این دانش به گفت‌وآنی اجتماعی- فرهنگی در کشور؛ آنچه برای توسعه بسیار نیازمندش هستیم. ما در میان تلاشگران آموزشی، کسانی مانند میرزاحسن رشیدی، محمدبهمن بیگی، دکتر غلام‌حسین شکوهی ... را داریم که هر کدام می‌توانند موضوعی ارزشمند و آموزنده در مجموعه اندیشه‌ورزان باشند. امیدواریم این کار ادامه یابد.

اما نخستین جلد اندیشه‌ورزان با عنوان «در تمنای یادگیری/ جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های تربیتی محمدرضا سرکارآرانی» بود. پرفسور سرکارآرانی با ده‌ها نوشته و ترجمه و صدها نوشتار به زبان‌های فارسی، انگلیسی و ژاپنی یکی از نام‌وران گستره آموزش نوین در جهان کنونی است، با اینکه از او درس‌اند دوره دکترا و دکتری تخصصی، و اکنون استادی دانشگاه‌های گوناگون ژاپن- یعنی نزدیک به ۲۱ سال- در این کشور زندگی می‌کند، اما هرگز پیوند خویش با سرزمین مادری را نکستسته و با همکاری با دانشگاه‌های کشور در پی خدمت به ساختار آموزشی میهن خویش بوده و هست. کتاب «در تمنای یادگیری» را انتشارات «شرکت افست» با همکاری دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش‌وپرورش در ۳۰۴ صفحه مصور، منتشر کرده است. کتاب شامل دو بخش است که بخش نخست آن با عنوان «صدونچاه سال زندگی...» به کودکی، نوجوانی ... در ایران تا دوران تلاش‌های آموزشی و اندیشه‌ای در ژاپن می‌پردازد. بخش دوم با عنوان کلی اندیشه، هفت گفت‌وگو را دربر می‌گیرد که در آنها به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های ملی و جهانی دکتر آرانی پرداخته شده و کوشش‌های اندیشگی این پداگوژیست نامدار جهانی را بررسی می‌کند. پرفسور سرکارآرانی در مقدمه کتاب و دربرای تلاش‌های درون‌زا در گستره آموزش به‌عنوان بنیان توسعه و البته درباره کتاب می‌گوید: نسخه‌های بیرونی اغلب تجربه‌ای به همراه دارند ولی همیشه نسخه درمان نیستند! تجربه صدهالما نا نشان می‌دهد که بعضاً «پزشکی بدون درمان‌اند»؛ جهدی و اندیشه‌ای از درون لازم است. خواندن این کتاب نه تنها برای پژوهشگران در گستره آموزش بلکه برای دانشجویان رشته‌های تربیتی، فرهنگیان، و حتی پدرودمادرها و به‌ویژه سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان آموزشی کشور سودمند، بلکه ضروری است.

شرق: تصویب دستورالعمل انضباطی دانشجویان از سوی وزارت علوم در اسفندماه سال گذشته، بهانه گفت‌وگو با استاد دانشگاهی است که به خوبی بر ضرورت حفظ حقوق و اصول اساسی در رسیدگی‌های انضباطی و انتظامی واقف است. دکتر تهمورث بشیریه که هم‌زمان مسئولیت کمیسیون آموزش کانون وکلای دادگستری مرکز و مدیریت انجمن حقوق‌شناسی ایران و چندین‌وچند فعالیت آموزشی و پژوهشی آکادمیک را برعهده دارد، در این مصاحبه از اهمیت رعایت حقوق اساسی دانشجویان در رسیدگی‌های انضباطی می‌گوید و ازاین‌رو که در دستورالعمل جدید به این حقوق اساسی و اصول کلی حاکم بر رسیدگی‌ها اشاره شده است، آن را یکی از دستاوردهای مهم دولت یازدهم قلمداد می‌کند که رئیس‌جمهور وکیل و حقوق‌دان باید از آن پاسداری کند. متن گفت‌وگوی ما با این وکیل دادگستری را در زیر می‌خوانید.

کامران‌طور که می‌دائید چندسال گذشته، شیوه‌نامه انضباطی تغییر پیدا کرد و مواردی از قبیل حق دفاع حضوری که قبلا در آن وجود داشت، حذف و تغییرات دیگری نیز در آن ایجاد شد. البته در همان شیوه‌نامه قبلی هم بسیاری از موارد مبهم یا مسکوت گذاشته شده بود، اما چند ماه پیش وزارت علوم دستورالعمل جدیدی را درباره رسیدگی‌های انضباطی به تخلفات دانشجویان ابلاغ کرد که به نظر می‌آید با مجموعه مقررات اداری ما تفاوت‌های بارزی دارد. به‌عنوان سؤال اول می‌خواهم نظر شما را درباره این دستورالعمل بپرسم.

قبل از اینکه بخواهیم وارد این بحث شویم که آیا این دستورالعمل مناسب است یا خیر، باید بگوییم که دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ یک دیدگاه مبتنی‌بر رسیدگی افتراقی در نظام‌های اداری و جزائی است؛ یعنی می‌گوید رسیدگی در این دو نظام باید با همدیگر متفاوت باشد، آن هم بر مبنای این فلسفه که ما در رسیدگی‌های اداری و انتظامی نباید تابع تشریفات باشیم و باید بتوان در موارد مختلف، درخصوص تخلفات به سهولت تصمیم‌گیری کرد. دیدگاه دیگر، مبتنی‌بر وحدت در شیوه رسیدگی و همچنین وحدت در اصول کلی حاکم بر این دو نظام است. تصور بنده این است که آن طرز تفکری که رسیدگی افتراقی را تجویز می‌کند، به فلسفه وجودی آن تشریفات در رسیدگی‌های جزائی توجه نکرده است، چون اساسا این رسیدگی‌ها و این تشریفات که وجود دارد، برای این است که مسیر از بدو ایراد اتهام تا اثبات و اجرا، به صورت صحیح طی شود و همچنین برای این هدف است که الا افراد با تکالیف خود و ضمانات اجرای تخلف از آنها آشنا باشند (حالا این تکلیف می‌خواهد جزائی یا انتظامی و اداری باشد) و ثانیاً با نحوه رسیدگی به تخلف انتسابی آشنا باشند تا شرایط دفاع را بدانند و برای خود دفاعی تدارک ببینند. در این زمینه‌ها به نظر می‌رسد که هیچ تفاوتی میان رسیدگی‌های اداری و جزائی نیست و هر دو از یک منطق و مصلحت پیروی می‌کنند، چراکه هر دو بر سرنوشت افراد تأثیرگذارند و چه‌بسا که ضمانات اجرای انضباطی، سنگین‌تر از ضمانات اجرائی باشد که رای یک جرم تعیین شده است. خب ما جرائم ساده‌ای مثل توهین داریم که ممکن است به یک جزای نقدی ساده منجر شود، اما ضمانت اجرای‌های انضباطی سنگین مثل محرومیت از تحصیل درباره تخلفات انضباطی دانشجویی وجود دارد که به‌مراتب سنگین‌تر است. بالاتر از این، حتی اگر ما بخواهیم تابع یک رسیدگی افتراقی باشیم، باید در اینجا و در این مورد خاص درباره دانشجویان، یک رسیدگی افتراقی با تبعیض مثبت برای دانشجویان (با توجه به وضعیت حاکم بر آنها) وجود داشته باشد؛ یعنی اگر قرار به افتراقی‌بودن رسیدگی باشد، با توجه به جامعه هدف، لازم است که رسیدگی با یک تبعیض مثبت به‌نفع دانشجویان صورت بگیرد.

درهرحال به‌طورکلی از لحاظ منطقی به نظر من هیچ تفاوتی بین رسیدگی جزائی و رسیدگی اداری وجود ندارد و درباره ارکان این تخلفات، چه تخلف جزائی باشد که آن را جرم می‌خوانیم، چه تخلف اداری، انتظامی و انضباطی باشد، به نظر باید هر سه رکن قانونی، مادی و معنوی وجود داشته باشد که در اینجا ما از رکن قانونی آن تعبیر «آیین‌نامه‌ای» می‌کنیم؛ یعنی به‌هرحال باید یک متن ازپیش‌نوشته‌شده‌ای وجود داشته باشد تا افراد تکلیفشان مشخص باشد و ما بتوانیم آنها را بر مبنای آن مقرره مواخذه کنیم، چون این قواعد کلی که دالالت بر اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات می‌کنند دلالت بر ازپیش‌وضع‌شدن مقررات انتظامی انضباطی هم می‌کنند و قاعدتً قبح «عقاب بلا بیان» در اینجا هم به نظر من جاری و ساری است.

مسئله‌ای که در پاسخ به این استدلالات شما طرح می‌شود، دغدغه الزامات رعایت نظم، امنیت و انضباط در محیط دانشگاه است. غالب انتقاداتی که نسبت به دستورالعمل جدید وارد می‌شود، بیشتر مبتنی‌بر همین ملاحظات در رابطه با دغدغه تأمین نظم و امنیت و انضباط در محیط دانشگاه است. ادعای منتقدان این است که محیط دانشگاه

دکتر تهمورث بشیریه؛ استاد دانشگاه و وکیل دادگستری؛

دولت از «دستورالعمل انضباطی دانشجویان» محافظت کند



محیط خاصی است که همواره محل حساسیت‌های ویژه‌ای بوده و به‌همین‌خاطر، برقراری نظم و امنیت در دانشگاه با چنین دستورالعملی که رعایت این حقوق و آزادی‌ها در آن الزامی دانسته شده، ممکن نیست. می‌خواهم بدانم آیا واقعا آوردن این حقوق اساسی و این اصول حاکم بر رسیدگی‌ها در دستورالعمل، به آن نظم و امنیت و انضباطی که دغدغه منتقدان است، خدشه‌ای وارد می‌کند؟

ببینید به‌طورکلی عرض می‌کنم که اصولا در دنیا، سیاست‌مداران به‌دنبال گسترش دایره تکلیف مخاطبان خود؛ یعنی عموم افراد جامعه هستند و حقوق‌دان در مقابل اینها وظیفه دارد که دست سیاست‌مدار را از اینکه به همه حقوق و آزادی‌های مردم تعرض کند، کوتاه کند. وقتی که ما این فلسفه را پذیریم، دیگر شرایط سیاسی نباید بر حقوق افراد تأثیرگذار باشد. ما البته صحبت از بایدها می‌کنیم، هرچند در شرایط زندگی واقعی، می‌بینیم که تأثیرگذار است. ازاین‌رو هر وقت که یک بحران در یک اجتماع پیش می‌آید یا تحولی در یک اجتماع رخ می‌دهد، سخنگیری‌های بیشتری صورت می‌گیرد و آن نظامات امنیت‌گرا یا آن تفکرات امنیت‌گرا به کرسی می‌نشینند. طبیعتاً در سال‌های گذشته هم وضعیت سیاسی ما به گونه‌ای بود که منجر به تصویب شیوه‌نامه اجرائی سابق شد. من معتقدم که این اتفاق صحیح نبوده و تحولات سیاسی نباید روی حقوق افراد تأثیر بگذارد، کما اینکه در آن دوره هم هیچ‌کس حداقل در عالم نظر (فارغ از بحث عمل) ادعا نکرد که با آن حوادثی که دارد پیش می‌آید پس ما نسبت به مجرمین دیگر نیازی به تشکیل دادگاه و وجود وکیل‌مدافع و ابلاغ و اتهام‌هم نداریم. در همان ایام هم در همه دادگاه‌ها سعی بر این بود که ظاهرا این موارد رعایت شود یا حداقل اگر کسانی هم رعایت نکردند، هیچ موقع ادعا نکردند که ما رعایت نمی‌کنیم، بلکه گفتند ما با رعایت این موارد به این احکام رسیده‌ایم. می‌خواهم بگویم قانون بنا به شرایط خاص سیاسی یا اجتماعی، حالت تعلیقی و توقیفی پیدا نمی‌کند و حقوق افراد بسته به شرایط اجتماعی و سیاسی معقل و متوقف نمی‌شود. با این وصف دیگر فرقی نمی‌کند که ما در چه زمانی یا در چه مکانی صحبت می‌کنیم. اگر ما قائل به این هستیم که اصل بر برائت است و این‌را در قانون اساسی و در قوانین عادی مختلف خود پیش‌بینی می‌کنیم، دیگر نباید برترسیم از اینکه آن را برای دانشجویان هم مقرر کنیم. اگر ما قائل به این هستیم که در رسیدگی به جرائم (که اصولا از تخلفات دانشجویی حساس‌تر هستند) باید رسیدگی دودرجه‌ای باشد، باید تفهیم اتهام صورت گیرد، باید شخص وکیل (یا نماینده) داشته باشد، دیگر چه ترسی داریم که برای یک دانشجو هم این اتفاق بیفتد؛ دانشجویی که شاید حتی نیازمند حمایت بیشتری در بسیاری از برهه‌هاست.

خوشبختانه خیلی از این تأسیسات را ما در آیین دادرسی کیفری جدید خودمان داریم و اصولا اینها را پذیرفته‌ایم. وقتی اینها را پذیرفته‌ایم دیگر

عدم پذیرششان درخصوص دانشجویان را نمی‌توان فهمید؛ بنابراین شما باید برای دانشجو هم این حقوق را قائل باشید و بلکه باید این حقوق را شدیدتر و غلیظ‌تر به رسمیت بشناسید. پس باید سؤال اصلی را از کسانی که مخالفت می‌کنند، پرسید که آیا شما در قوانین کلی مربوط به عموم جامعه و در قوانین آیین دادرسی و مجازات، این اصول را قبول دارید یا خیر و اگر آنجا قبول دارید، اساسا چه فرقی بین عموم جامعه و دانشجویان وجود دارد؟

فارغ از حیطة هست‌ها، در حیطة عملی، آیا این استدلال درست است که با آوردن این اصول و حقوق اساسی در مقررات، آن دغدغه تأمین نظم و امنیت به‌خطر می‌افتد؟ یا نه در عمل اگر این اصول آورده شود، نظم و امنیت بیشتر هم تأمین می‌شود؟
در واقع من معتقد به این نیستم که نظم و امنیت را به خطر می‌اننداز. اگر قرار باشد که نظم و امنیت به خطر بیفتد، وقتی این اصول در قواعد دادرسی کلی هم به رسمیت شناخته شده، نظم و امنیت با قواعد دادرسی کلی هم باید به خطر بیفتد. قانون‌گذار که برای شرایط عادی این قواعد را وضع نکرده است. قانون‌گذار این اصول را برای زمان ارتکاب جرم وضع کرده است. کسانی که در خیابان در حال رافرتن هستند که کاری به کارشان ندارند، وقتی فردی به دادگاه آمد، آنجا اصل برائت مطرح می‌شود؛ البته اصل برائت برای همه است، نمی‌شود یقه هیچ‌کس را در خیابان گرفت و به دادرسا آورد؛ ولی وقتی ما اصل برائت را می‌فهمیم و لمس می‌کنیم که فردی به دادرسا یا دادگاه می‌آید. در این حالت است که شرایط به دلیل وقوع جرم غیرعادی است. با حق انتخاب وکیل (یا به تعبیر این دستورالعمل نماینده)، برای چه کسی در نظر گرفته شده است؟ برای کسی که متهم به ارتکاب یک جرم شده، آن هم در شرایطی که با وقوع جرم غیرعادی شده است. اساسا قانون‌گذار این حقوق اساسی و اصول کلی را برای شرایط غیرعادی وضع کرده است، نه برای شرایط عادی که جرمی به وقوع نپیوسته است؛ بنابراین همان‌طور که قبلا هم گفتم اگر ضرورت وجود این حقوق اساسی و اصول کلی را در اینجا نپذیریم، در آیین دادرسی هم نیازی به پذیرشان نداریم.

یعنی شما می‌گویید که در این دستورالعمل در آن جاهایی که حقوق اساسی یا اصول اساسی حاکم بر رسیدگی‌ها گفته شده است، در واقع قانون‌گذاری به آن معنا صورت نگرفته و فقط آن قواعد و اصول کلی که در قوانین بالادستی یا در قانون اساسی وجود داشته، دوباره تکرار شده و بر آنها تأکید شده است؟

بله! البته تأکید، تأکید لازمی بوده، چون قبلا رعایت نمی‌شده است و آن تصور غالب حاکم بوده که رسیدگی اداری انتظامی باید از رسیدگی کیفری متفاوت باشد؛ اما در این دولت (که یکی از وعده‌هایش، توجه ویژه به حقوق شهروندی بود و یکی از بخش‌های مهم حقوق شهروندی هم مربوط به حقوق دانشجویان و حقوق افراد مشغول به تحصیل در اماکن آموزشی است)، می‌بایست با ذکر این موارد، لزوم رعایت آنها مورد تأکید قرار می‌گرفت.

در این دستورالعمل چهار مورد شاخص وجود دارد: حق انتخاب وکیل یا نماینده برای دانشجویان، شفافیت روند رسیدگی (به معنای اطلاع دانشجو از مفاد پرونده و روند رسیدگی و مقام رسیدگی‌کننده)، مصونیت حريم خصوصی دانشجویان از تجسس و حق دفاع حضوری.

ببینید این چهار مورد هم از پاسخی که به سؤالات قبلی دادم، جدا نیست. ما این موارد را در قوانین بالادستی پذیرفته‌ایم؛ ما در قوانین کیفری وکیل را پذیرفته‌ایم، فقط در اینجا اسم آن را نماینده گذاشته‌ایم و کمی شرایط شکلی آن را تغییر داده‌ایم. درباره اطلاع از روند رسیدگی و شفافیت در رسیدگی هم، باز این امر مانند قوانین کلی است. یک نفر که در یک مرحله استرس‌زا و پرتنش رسیدگی قرار می‌گیرد، حق دارد بداند چه کسی به اتهام او رسیدگی می‌کند و طبق چه اصولی به اتهام او رسیدگی می‌شود و چه اتهاماتی علیه او طرح شده و دلیل آنها چیست. این فرد می‌خواهد از خودش دفاع کند، پس طبیعی است باید از این موارد مطلع باشد. در اینجا دیگر فرقی بین رسیدگی کیفری و اداری وجود ندارد. به نظر من، اینها بدیهیاتی است که متأسفانه امروز دارد روی آنها بحث می‌شود. حق دفاع حضوری هم از زمره حقوق مسلمی است که در قواعد کلی وجود دارد و به این دلیل است که اگر به فرد فرصت داده نشود و شرایط استرس‌زایی وجود نداشته باشد، بسیار بهتر می‌تواند مقصود خود را به مخاطب (که مقام رسیدگی‌کننده است) برساند، تا وقتی‌که صرفا به صورت کتبی مسائل را بیان می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه از صفحه ۱۵

کارگران در حصار دوبل

فقط به عناصری از یک پیش‌بینی که نمی‌توانم انجامش بدهم، اشاره می‌کنم. در تمام سال‌های پس از جنگ، در حد اعلا سیاست‌گذاران اقتصادی در ستاندن انواع توان‌های جمعی در مجموعه کارگران و به‌طورکلی نیروی کار موفق بوده‌اند، بنابراین نیروی کار ما از لحاظ ساختاری، امروز توان مقاومت نهادینه ندارد. کماکان این به من اجازه نمی‌دهد تحولات آتی را پیش‌بینی کنم اما می‌توانم با قوت بگویم که اگر مجموعه نامتشکل کارگران، جلوی امتیازی را که به طرف روبه‌روی آنها، یعنی کارفرمایان دولتی و خصوصی شبه‌دولتی در داخل و احتمالا کارفرمایان خارجی آتی داده می‌شود، نگیرند، از حیث معیشتی در شرایط نامناسبی قرار خواهند گرفت. اینکه آیا توانایی خواهند داشت یا نه، به مجموعه‌ای از عوامل برمی‌گردد که در بحث ما نمی‌گنجد.

کامران‌طور قصد دارد چرخ تولید را راه بیندازد و اشتغال آفرینی کند اما راه را اشتباه می‌رود.

راهکار شما در این شرایط چیست؟

گره تولید در اقتصاد ایران باید از طریق رفع موانع تولید باز شود. اشتباه دولت در این است که یک عامل تولیدی به نام نیروی کار را مانع تولید می‌داند. اشتباه کلیدی همه دولت‌های پس از جنگ در این بوده است. دولت باید به سمت رفع موانع تولید برود. موانع اصلی تولید در اقتصاد ایران در رابطه بین کارگران و کارفرمایان نیست. موانع اصلی تولید در اقتصاد ایران در رابطه‌ای است که درون مجموعه نیروهای طبقه اقتصادی و سیاسی مسلط وجود دارد، یعنی اولاً رابطه بین سرمایه مولد و سرمایه نامولد که به‌نفع سرمایه نامولد است، ثانیاً رابطه بین مجموعه‌ای از بازوهای دولت که برای رشد اقتصادی با عدالت اجتماعی کار می‌کنند، از سویی و مجموعه‌ای از بازوهای دولت که اهداف دیگری را از سوی دیگر دنبال می‌کنند، ثالثاً رابطه بین سرمایه تجاری و تولیدکنندگان داخلی و رابعا غلبه سرمایه‌برداران بر سرمایه‌گذاران در اقتصاد ملی. اینها یعنی ضرورت مبادرت به حجم‌عظیمی از تغییرات در سیاست‌های مالی دولت، تغییر جهت‌گیری بانک مرکزی و نوع نظارت بر شبکه بانکی و فقدان نظارت بر بازارهای غیرمتمشکل پولی و غیره. هریک از این‌ین دهلیزها، میزبان قدرتمندترین نیروهای سیاسی هستند و اگر تاکنون تغییراتی به وقوع

نیپوسته، به دلیل قدرت همین نیروهای سیاسی بوده است. بنابراین رفع موانع تولید در ایران یک اقدام بسیط نیست. مجموعه عظیمی از اقدامات را می‌طلبد که در گرو نوعی الگوی جدید در توزیع قدرت سیاسی در عرصه سیاست است. در جایی که دولت ناتوان از تغییر در عرصه سیاست است، تمام فشار را به نیروهایی که نه مانع تولید بلکه عامل تولید هستند، منتقل می‌کند. نیروی کار حتی در دیدگاهی که طرفدار نظام سرمایه‌دارانه (که من مطلقاً مدافعش نیستم) است، در ایران امروز در معرض زوال تاریخی قرار گرفته، یعنی نسل کنونی نمی‌تواند متناسب با نیازهای متعارف امروز در زمینه بهداشت، سلامت، آموزش عمومی، آموزش عالی، مسکن، اوقات فراغت، تربیت‌بدنی و غیره نسل آینده را به‌عنوان نیروی کار تربیت کند. سامانه تولید ما در معرض این خطر است و اگر این خطر را ریشه‌یابی کنیم، دلیل آن امتناع یا ناتوانی دولت‌ها در حدی از ایجاد تغییر در عرصه سیاست است، ضعیفی که دولت‌ها می‌کوشند از طریق هدایت فشارها به ضعیف‌ترین بخش‌های جامعه جبران کنند. کارگران یکی از این نیروها هستند.

جدول ۲۶۴۴ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- غیردجیتال- بی‌دینی- بهشت ارم را بنا نهاد
۲- بعید- شاعر دربار نوح‌بن‌نصر و سراینده مثنوی
آقرین‌نامه- زشت و خشنودی-
شتر عربی ۴- باب‌روز- متفارع- دین راجح در هندوستان ۵- راست‌گو- بیماری ویروسی جانوران گوشت‌خوار- پاد‌زهر ۶- جنازه- سخن‌چین- جزیره‌ای در شمال بندر بوشهر ۷- از گیاهان آپارتمانی زیا- از آتش‌افروزان- راهی که به آخر نمی‌رسد! ۸- دانه گیاه- بزرگ‌واری- بیماری- نخست ۹- ضمیری عربی- در نزدیکی- رئیس پاسبانان شهر را می‌گفتند ۱۰- بخشنده- نوعی نارنگی- فهرست غذای رستوران ۱۱- ترسانک جالبیز- نکین انگشتر- همسایه مرند و ورزقان ۱۲- شهری در استان یزد- ستارگان- تکرار حرف بیست‌وششم ۱۳- از درختان جنگلی- دامنه سبز کوه- فیلم‌نامه ۱۴- رمانی از علی‌محمد افغانی، نویسنده معاصر کشورمان- تنه درخت ۱۵- سالک- یک نفر- از ارتفاعات استان کرمانشاه.

عمودی:

۱- رودی در فرانسه- دست یکدیگر را فشردن- پیشکار ۲- از ایالات متحده آمریکا- عارضه‌ای در دستگاه گوارش- آشبار دوقلوی دیدنی مینودشت استان گلستان ۳- قلعه حکومتی- رودی در عراق-... را خدا آزار کرد ۴- دیروقت شب- جریان مستقیم‌برق- سطح چیزی ۵- لازم و ضروری- از القاب اشرافی زنان اروپایی- ماری بسیار سمی ۶-

حل سودوکو سخت

۲	۴	۷	۹	۸	۱	۶	۳	۵
۳	۶	۵	۷	۲	۸	۹	۱	۴
۹	۱	۸	۳	۶	۵	۲	۷	۴
۷	۹	۳	۴	۱	۲	۳	۵	۶
۵	۳	۱	۷	۶	۹	۴	۲	۸
۶	۸	۲	۴	۵	۹	۷	۱	۳
۴	۷	۳	۹	۸	۱	۵	۶	۲
۱	۲	۳	۵	۳	۷	۴	۲	۹
۸	۵	۹	۶	۱	۴	۳	۲	۷

۴	۳	۵	۲	۸	۹	۱	۶	۷
۷	۲	۹	۱	۵	۶	۳	۸	۴
۱	۶	۸	۳	۷	۴	۵	۹	۲
۵	۴	۱	۷	۶	۳	۲	۸	۹
۹	۸	۶	۴	۳	۱	۳	۷	۵
۲	۷	۴	۵	۶	۴	۱	۲	۸
۳	۱	۲	۹	۴	۸	۷	۵	۶
۸	۵	۷	۶	۳	۲	۹	۱	۴
۶	۹	۴	۵	۱	۷	۸	۲	۳

جدول ۲۶۴۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۳	۱۰	۲	۱۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲	۱۰	۳	۱۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳
۳	۱۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲
۴	۱۰	۳	۱۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳
۵	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱
۶	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵
۷	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵	۳
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵
۱۰	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵	۳
۱۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵	۳	۱۰
۱۲	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲
۱۳	۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱
۱۴	۳	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵
۱۵	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵	۳	۱۰	۲	۱	۵	۳

سودوکو سخت ۱۶۴۱

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۶۴۱

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵	۶	۴				۹	۳	
			۷				۹	
						۷		۹
				۵			۳	
۸					۱			
				۶				۵
							۵	
						۲		۶
							۴	

		۴	۲	۳	۸		۱	
			۹	۶		۵	۲	۴
	۹		۶	۷	۴			۱
	۳	۲	۵		۱	۸		
					۶			۸
			۹		۵		۱	۶
							۴	
								۵